



۱۴ زوج جوان با همراهی اهالی انقلابی محله اقبال مراسم عروسی را در دل اجتماعات شبانه برگزار کردند

عقدکنان زیر پرچم ایران

۵۰۴



عکس: فاطمه جاهلی/شهرآرا

اهالی محله حجاب

۳ از خاکی بودن معبر ادیب ۲۶،۱ گلایه دارند
آسفالت، سهم فراموش شده ما

مسجد صاحب الزمان (عج) طی جشنی، از نوجوانان و فعالان اجتماعات شبانه قدردانی کرد
شور وطن دوستی در بوستان فدک

گروه سرود مسجد امام علی (ع) در محله هنرستان نام آشنای اجتماعات شبانه شده اند

۶ صدای حماسی «دختران بهشتی»



همسایه به همسایه، دیدار بیست و نهم، خیابان نوزده بهمن یک

همبستگی همسایه‌ها در اجتماعات شبانه

فهیمة شهری ارسیم خوب همسایه داری در خیابان نوزده بهمن یک به کوچه و خیابان های دیگر هم رسیده است. بعد از آغاز جنگ تحمیلی سوم، تعدادی از همسایه های اینجا نه تنها با هم راهی اجتماعات شبانه می شوند، بلکه افرادی را نیز که به این اجتماعات نمی آمدند، همراه خود کرده اند.

اقدس شریعت یکی از ساکنان این خیابان است که در این زمینه، چهره ای شناخته شده محسوب می شود. او را این شب ها به عنوان لیدر اجتماعات می شناسند که با اخلاق خوبش، همسایه های بسیاری را به حضور در این برنامه ترغیب کرده است و هماهنگی های لازم را انجام می دهد.



ماشین دارها، کمک حال بی وسیله ها

اقدس خانم بازنشسته علوم پزشکی است. او در خانه اش دستگاه کنترل فشار خون دارد و هر وقت لازم باشد، در خانه یا مسجد امام حسن مجتبی (ع) فشار خون همسایه ها را چک می کند. همچنین در راستای ارتباطاتی که دارد، هر از چندگاهی پزشکان را به مسجد دعوت می کند تا ویزیت رایگان برای اهالی انجام دهند. اقدس خانم بعد از جنگ تحمیلی سوم نه تنها خودش هر شب در اجتماعات حضور دارد، بلکه همسایه هایش را نیز راهی کرده است.

اومی گوید: در اجتماعات شبانه، همسایه هایی را می بینم که قبلاً کمتر می دیدم. حالا بیشتر با هم مرتبط شده ایم و ماشین دارها هوای بی وسیله ها را دارند و برای رفت و آمد به اجتماعات با هم هماهنگ می شوند. اقدس خانم نه تنها خودش برای اجتماعات شبانه کمک مالی می کند، بلکه خیرانی را نیز در این راستا جذب کرده است.

پشتیمان به هم گرم است

او بی بی صدیقه خانی کرمانی را به عنوان یکی از همسایه های خوبشان معرفی می کند و می گوید: بی بی هر وقت بتواند به همسایه ها کمک مالی می کند. اکنون هم در اجتماعات شبانه برای خرید خوراکی بچه ها یا تهیه شام نیروهای امنیتی، دست به کمک است. بین در و همسایه اگر کسی بیمار داشته باشد، بی بی به کمک و عیادتش می رود.

خود بی بی می گوید: در این شب ها اگر ببینم کسی به عنوان مثال به خاطر بیماری بچه اش نمی تواند در اجتماعات شرکت کند، ساعاتی پیش بچه می مانم تا مادرش بتواند در برنامه حاضر شود. بعد که برمی گردد، باز خودم در اجتماع شرکت می کنم.

بی بی صدیقه از سال ۸۳ در محله نیرو هوایی سکونت دارد. او می گوید: همسایه از خواهر به آدم نزدیک تراست. به نظر او در این اجتماعات شبانه، همسایه ها می توانند در رفت و آمد کمک حال یکدیگر باشند، به ویژه آن ها که پیاده هستند، وقتی چند نفری می روند و می آیند، ترس و نگرانی ندارند و پشتشان به هم گرم است.

برطرف کردن دلخوری ها با صبر و گذشت

او از زهر خانم توانایی فعله به عنوان یکی از همسایه های خوبشان نام می برد و می گوید: او هم مثل من یک زن تنهاست. با هم دوست و هم زبان هستیم. مدتی که بیمار بودم، او می آمد و حتی کارهای روزمره ام را انجام می داد.

به گفته او زهر خانم عصبانی نمی شود و اگر دلخوری ای پیش بیاید، نمی گذارد این موضوع طولانی شود و با گذشت و محبت آن را برطرف می کند. او ادامه می دهد: ما بارها با هم به حرم، بهشت رضا (ع) و حتی سفر کربلا رفته ایم. الان هم با هم به اجتماع می آییم.

خود زهر خانم می گوید: اگر این همسایه ها نبودند، جرئت نمی کردم به تنهایی از اجتماعات برگردم. او ادامه می دهد: موقعی که به کرونا مبتلا شده بودم، همین همسایه ها برایم دارو آوردند، غذا درست می کردند، خریدهایم را انجام می دادند و نمی گذاشتند ذره ای احساس تنهایی کنم.

به نظر او همسایه خوب نعمتی است که باید قدرش را دانست. زهر خانم توضیح می دهد: این همسایه ها نه فقط برای من، بلکه برای بچه هایم هم نعمت هستند؛ فرزندانم وقتی می بینند همسایه ها هوایم را دارند و با حضور آن ها تنها نیستم، خیالشان راحت است.



مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷

ریاحی | حجت فرقانی، شهردار منطقه ۹، هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ داد. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم طول کشید.



تعداد پیام های مردمی

۲۷ تماس

حوزه فرهنگی

یکی از اهالی درخواست کرد که موقعیت سازه اجتماع شبانه اهالی که بخشی از زمین ورزشی بوستان لاله را اشغال کرده است، تغییر کند.

حوزه شهرداری

شهروندان طی ۶ تماس تلفنی، درخواست رسیدگی به ساخت وسازه های غیرمجاز در خیابان های شهید صمانی ۲، صابره، صابره، پیروزی ۵۹، شقایق ۱۱، سرافرازان ۱۵ داشتند.

حوزه فضای سبز

در این حوزه ۴ تماس برقرار شد. نصب مجدد تجهیزات ورزشی و راه اندازی آب نما بوستان لاله، کاشت درخت به جای درختان خشکیده بوستان آسمان و جلوگیری از بسته شدن ورودی باغ وکیل آباد در معبر امام رضا از درخواست های شهروندان در این حوزه بود.

حوزه خدمات شهری

۲ نفر از شهروندان محله چهارچشمه در گفت و گو با شهردار منطقه ۹ درخواست رسیدگی به رفت و روب معابر نماز یک و هاشمی ۶۲ را مطرح کردند. شهروندی دیگر هم درخواست آسفالت پارکینگ خودروهای کارکنان و مراجعان شهرداری منطقه ۹ را داشت که باعث گردوخاک و گل ولای در معبر دلاوران ۶ شده است.

رسیدگی به تردد بیش از حد کامیون ها در معبر نماز ۲ برای کار در معدن طی ۲ تماس مطرح شد و رسیدگی به وفور سگ های ولگرد در معبر نماز ۲ و دلاوران ۴۹ موضوع ۴ تماس دیگر اهالی در این بخش بود.

حوزه فنی و عمران

این بخش با ۹ تماس، بیشترین درخواست ها را به خود اختصاص داد و شهروندان، موضوعاتی مانند آسفالت معابر فرعی خیابان شهید حسینی مقدم، یک طرفه کردن ابتدای خیابان سامانیه، زیباسازی فضای سبز آیلند میانی خیابان شهید اکبری و نصب سرعت گیر در محدوده مدارس خیابان شهید برسلانی را مطرح کردند. جدول کشی معبر شهید قناد، رسیدگی به پیاده روی های بولوار هفت تیر، گلایه از کنده کاری آسفالت نو در تقاطع بولوارهای نماز و دلاوران و درخواست آسفالت معبر لادن ۲۲ که میزبان کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان است، از دیگر درخواست های اهالی بود.

شهرآرام محله پیگیری می کند

- شهرآرام محله در هفته های آینده، موضوع آسفالت معابر فرعی خیابان شهید حسینی مقدم و آسفالت معبر دلاوران ۲۲ را پیگیری می کند.



اهالی محله حجاب از خاکی بودن معبر ادیب ۲۶،۱ گلایه دارند

آسفالت، سهم فراموش شده ما

رضاریایی در محله حجاب، جایی میان میدان شلوغ مادر و میدان امامیه و نزدیک مراکز مهمی مانند بوستان شاهد و سینما سیمیرغ، کوچه ادیب ۱، ۲۶ سال هاست زیر بار گرد و خاک نفس می‌کشد؛ کوچه‌ای که با وجود اتصال به معبر پررفت و آمد بولوار ادیب، هنوز از ابتدایی‌ترین امکان آسایش شهری که کف‌سازی مناسب و آسفالت معبر است، بی‌بهره مانده است.

اهالی این محدوده از کودکان مدرسه‌رو تا سالمندان که هر روز تردد در این مسیر را در پیش می‌گیرند، هربار که از خانه بیرون می‌آیند با حجم زیادی از خاک و گاهی گل روبه‌رو می‌شوند. این گزارش، روایت همان مردمی است که تنها خواسته‌شان، داشتن کوچه‌ای آرام، ایمن و قابل عبور است.



بینیم و تعریف کنیم...

«باران هفته پیش همه ما را خوشحال کرد، اما از شما چه پنهان به این فکر می‌کردیم که با گل ولای کوچه مان چه کنیم!». وحید مالکی، یکی از ساکنان قدیمی کوچه ادیب ۱، ۲۶، این رامی گوید و بیستی و بلندی‌های آزاردهنده کوچه‌شان را نشان می‌دهد. او توضیح می‌دهد که با اولین باران بهاری، کوچه چنان گل‌آلود شد که حتی قدم زدن معمولی در آن دشوار بود، چه برسد به اینکه خانواده‌ای بخواد با خود روز این مسیر عبور کند.

آقا وحید در ادامه می‌گوید: در روز بارانی، وقتی ماشین را از پارکینگ در آوردم، لاستیک‌ها شرم می‌خورد. حیاط خانه مان پر از گل شده بود و یکی از همسایه‌ها با کالسکه بچه در کوچه گیر کرد و مجبور شد که به خانه‌اش برگردد. هربار که باران می‌آید، بساط کوچه و زندگی ما همین می‌شود. هفته گذشته هم مجدد با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتم و با شهردار منطقه ۱۰ گفت و گو کردم. ایشان قول مساعد دادند که در اولین فرصت، کوچه ما آسفالت شود. به قول قدیمی‌ها بینیم و تعریف کنیم.

سهم ما از توسعه، کوچه خاکی است!

«اینکه بعد از این همه سال، کوچه ادیب ۱، ۲۶ تنها معبر خاکی محله ماست، واقعا گلایه دارد». این را پوریایلامی می‌گوید و با اعتراض به این وضعیت ادامه می‌دهد: همه خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف ما آسفالت شده است. اگر هم روکش مناسبی نداشته باشد، حداقل از شهرداری آمده‌اند و چاله‌های آن را لکه‌گیری کرده‌اند.

آقای پوریایلامی می‌گوید: هربار که قرار است برای ما مهمان بیاید، باید توضیح بدهیم کوچه مان خاکی است. چرا باید سهم ما از این همه توسعه، یک کوچه خاکی باشد؟ راستش این بی‌توجهی نه تنها کیفیت زندگی ما را پایین آورده، بلکه حس عقب ماندن و نادیده گرفته شدن را بین اهالی به وجود آورده است. به باور او وقت آن رسیده است که معبر ادیب ۱، ۲۶ هم مثل سایر معابر قاسم‌آباد، رنگ آسفالت رابه خودش ببیند و از این وضعیت رها شود.

روکش آسفالت این معبر در اولویت است

درخواست روکش آسفالت کوچه ادیب ۱، ۲۶ موضوع یکی از درخواست‌های اردیبهشت ماه اهالی از شهردار منطقه ۱۰ در سامانه ۱۳۷ بود. وحید برجسته‌نژاد در این باره توضیح می‌دهد: موضوع روکش و لکه‌گیری آسفالت معابر، یکی ازغدغه‌های شهرداری منطقه است اما در ابتدا باید ردیف بودجه‌های امسال بازگشایی شود و ما برای این معبر، پیمانکار زیرسازی انتخاب کنیم.

او در ادامه بیان می‌کند: اگر تنها موضوع آسفالت برای این کوچه مطرح بود، به محض دریافت آسفالت از سازمان عمران شهرداری مشهد، ادیب ۱، ۲۶ را اقدام می‌کردیم اما اینجامعبری است که ابتدا باید زیرسازی آن صورت گیرد تا بعد از انجام کار، آسفالت یکدست و با کیفیتی تحویل اهالی شود. موضوع آسفالت معبر ادیب ۱، ۲۶ در هفته‌های آینده از سوی شهرآرامحله پیگیری می‌شود.

چرا باید سهم ما از این همه توسعه، یک کوچه خاکی باشد؟ راستش این بی‌توجهی نه تنها کیفیت زندگی ما را پایین آورده، بلکه حس عقب ماندن و نادیده گرفته شدن را بین اهالی تقویت کرده است



برای اجتماع کجا برویم؟

اجتماع اهالی انقلابی قاسم‌آباد هر شب برگزار می‌شود. چهارراه ورزش و مخابرات، میدان‌های شهید مطهری، معراج، امامیه و حجاب، تقاطع بولوارهای اندیشه و حجاب، خیابان‌های شهید جراح، شهید فلاحتی ۳۸، شهید هاشمی مهنه، اندیشه ۹۳، کنار آتش نشانی بولوار شاهد، نشانی‌هایی است که اهالی می‌توانند در اجتماعات آن شرکت کنند.

آسفالت نوبرتن معبر پیامبر اعظم ۸۳

شهرداری منطقه ۱۰ از آغاز عملیات اجرایی زیرسازی و روکش آسفالت معبر پیامبر اعظم ۸۳ خبر داد. این عملیات به مساحت ۲۰۰ مترمربع و اعتبار ۵۰ میلیارد ریال، با هدف احداث مسیر دسترسی مجتمع خودرویی آسکوپارس، تسهیل در تردد وسایل نقلیه، افزایش ایمنی شهروندان و ارتقای سیمای شهری در حال اجراست.

بهسازی پل‌های عابر پیاده در قاسم‌آباد

باتوجه به درخواست‌های شهروندان، نقص پل‌های عابر پیاده این منطقه رفع می‌شود. این پروژه در پل‌های عابر پیاده بزرگراه‌های پیامبر اعظم (ص) و امام علی (ع)، بولوارهای شاهد، شهید رفیعی و امامیه در حال اجراست. اصلاح کف، قسمت‌های مسقف، نرده، پله و آسانسور از اقدامات این پروژه است که به‌طور مستمر سالم بودن آن‌ها بررسی می‌شود.



ریاحی‌ا شهردار منطقه ۱۰ مشهد از پیشرفت فیزیکی ۹۵ درصدی احداث مرکز فرهنگی خاتم الانبیا (ص) خبر داد. وحید برجسته‌نژاد اعتبار این پروژه را ۴۰۰ میلیارد ریال عنوان کرد و گفت: این مرکز به متراژ ۱۲۵۰ مترمربع در چهار طبقه با کاربری فرهنگی و اجتماعی در بوستان سپیدار محله خاتم الانبیا (ص) در حال اجراست و تاکنون ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و به‌زودی به بهره‌برداری خواهد رسید.



مرکز فرهنگی خاتم الانبیا (ص) در منطقه ۱۰ به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسد

رشد اشتغال در حاشیه شهر

او یکی از تأکیدات اصلی شورای اسلامی شهر به شهرداری را توانمندسازی مردم در حاشیه شهر و مناطق کم‌برخوردار مشهد دانست و بیان کرد: یکی از بهترین فرصت‌ها برای تحقق این رویکرد و نگاه، ایجاد چنین مراکزی در سطح شهر است که منطقه ۱۰ اقدام به احداث این مرکز در محله خاتم الانبیا (ص) کرده است.

به گفته شهردار منطقه ۱۰ توانمندسازی شهروندان در محلات هدف با آفرینی، ایجاد اشتغال و حمایت از کسب و کارهای کوچک خانگی از اهداف اصلی ساخت این مراکز است.

برجسته‌نژاد در پایان تأکید کرد: بر این اساس بسیاری از تولیدکنندگان خانگی در این محلات شناسایی شده‌اند که نیازمند ارتقا، حمایت و اتصال به پیشران‌های اقتصادی هستند.



تورروی سرشان پرچم ایران است

مجری برنامه، میلاد نورانی، عضو شورای اجتماعی محله اقبال است و تلاش می‌کند شب خاطره‌انگیزی برای زوج‌های امشب رقم بزند و برای عروس‌ها و دامادها برنامه‌های هیجان‌انگیزی برگزار می‌کند؛ از مسابقه‌های طنز و سرود گرفته تا سؤال درباره نکات ریز همسرداری که همگی در احادیث شیعه آمده است. جایزه هم تادلتان بخواد، کنار دستش چیده شده است و به بهانه‌های مختلف به هر عروس و داماد جایزه می‌دهد. کلی پتو و چادر نماز روی هم چیده شده است. مولودی می‌خوانند و دست می‌زنند، پشت سر هم سرودهای حماسی پخش می‌شود و پرچم کشورمان در دست مردم روی هوا می‌رقصد و می‌چرخد. ۱۴ زوج جوان کنار هم نشستند تا پس از این شب، زندگی مشترکشان را آغاز کنند. پرچم ایران را روی سر عروس‌ها و دامادها می‌گیرند و شروع می‌کنند به ساییدن قند. زوج‌های جوان، یکی یکی می‌آیند و زندگی‌شان را زیر پرچم ایران آغاز می‌کنند.

۱۴ زوج جوان با همراهی اهالی انقلابی محله اقبال مراسم عروسی را در دل اجتماعات شبانه برگزار کردند

عقدکنان زیر پرچم ایران

مادری کردن برای یک محله

سکینه خانم سویری مدام بین جمعیت راه می‌رود و همه چیز را زیر نظر دارد تا مراسم ازدواج آسان این ۱۴ زوج به بهترین شکل ممکن برگزار شود. او برای یک فامیل و شاید برای یک محله مادری کرده و رخت عروسی و دامادی بر تن دخترها و پسرهای بسیاری پوشانده است. خانه قدیمی‌اش بارها شاهد بارش نقل و نبات‌های سفره عقد عروس‌ها و دامادهایی بوده است که پیوند زناشویی‌شان را زیر سقف این خانه بسته‌اند و حالا پایگاه ازدواج آسان در مسجد چهارده معصوم (ع) محله اقبال را می‌چرخاند که خانه امید خیلی از جوانانی است که در مسیر ازدواج با پیچ و خم‌های دشواری روبه‌رو شده‌اند. او می‌گوید: چندی پیش در کانال امور مساجد فراخوان دادم و از جوان‌هایی که دوست داشتند مراسم ازدواج آن‌ها در اجتماع مردم انقلابی برگزار شود، دعوت کردم که خودشان را معرفی کنند. زوج‌های بسیاری اعلام آمادگی کردند، اما ما با تحقیقاتی که انجام دادیم ۱۴ زوج را انتخاب کردیم. سکینه خانم ادامه می‌دهد: سعی کردیم به عنوان تشکر و برای خوشحالی زوج‌ها، با کمک خیران‌های محله هم برای آن‌ها تدارک دیدیم.

به یاد شهدای میناب بله

اولین زوجی که خطبه عقدشان جاری می‌شود، زهرا و محمد هستند. زهرا که سال گذشته پدرش را از دست داده است، می‌گوید: جای پدر و مادرم خیلی خالی است؛ آرزو داشتند این روز را ببینند. زوج بعدی سحر و محمد هستند. عاقد خطبه عقد را می‌خواند و عروس خانم‌ها یکی یکی به آقاده‌ها «بله» را می‌گویند، البته با اجازه بزرگ‌ترها! سحر می‌گوید: همیشه دوست داشتم در عروسی‌ام جمعیت زیادی حضور داشته باشد. خدا را شکر امشب بیشتر از ۲ هزار نفر مهمان دارم که در این شب زیبا کنار من و محمد هستند. سحر دوست دارد زندگی‌اش را به یاد بچه‌های مدرسه شجره طیبه میناب شروع کند. برای همین وقتی حاج آقا می‌خواهد بله را از او بگیرد، سحر با صدای بلند می‌گوید: «به یاد شهدای دانش‌آموز میناب، بله».

دل خوش و برکت زندگی

زهرا و مجتبی دیگر زوج خندان مراسم هستند. مجتبی با لحن مثنوی‌وار می‌گوید: من و زهرا خانم هر دو در پایگاه بسیج مسجد محله مان حضور داریم و همان جا با هم آشنا شدیم. به نظر من یک بچه بسیجی همیشه باید کف میدان باشد، حتی در لباس عروسی و دامادی. از زهرا می‌پرسم: مهریه‌ات چیست؟ یا لبخند و شوخی می‌گوید: «۱۲۴ هزار صلوات؛ آقاده‌ها اگر می‌توانند پراخت کنند!» زهرا ادامه می‌دهد: من و آقا مجتبی اصلاً بنده‌مادیات نیستیم. یک لقمه نان را بادل خوش می‌خوریم. ولی زندگی را ساخت نمی‌گیریم؛ همین طوری برکت می‌آید به زندگی‌مان.



رضاری‌های اجتماع اهالی محله اقبال هر شب با شور و حال خاصی در میدان شهید صیاد شیرازی برگزار می‌شود. این اجتماع چندی پیش، میزبان مهمان‌های ویژه‌ای بود. ۱۴ زوج جوان تصمیم گرفته بودند شادترین شب زندگی‌شان را کنار آدم‌هایی باشند که بیشتر از ۶۰ روز است سنگر خیابان را رها نکرده‌اند و هر شب، نام ایران را فریاد می‌زنند. میدان شهید صیاد شیرازی پر از شادی است. ماشین‌های عروس یکی یکی از پیچ خیابان که می‌رسند، جمعیت به استقبالشان می‌رود. خانواده‌ها با بچه‌هایشان از یکی دو ساعت قبل در میدان صیاد شیرازی جمع شده‌اند تا آغاز جشنی متفاوت را از نزدیک ببینند؛ جشنی که رنگ و بوی صمیمیت محله، همدلی مردم و شادی بی‌غل و غش جوان‌ها را در خود دارد. در گوشه میدان، سفره عقد سفید و ساده‌ای گسترده شده است؛ سفره‌ای که دختران محله از عصر با گل‌های تازه، شمع‌های کوچک و ریسه‌های دست‌ساز، تزئینش کرده‌اند. همگی منتظرند ۱۴ زوج جوان که تصمیم گرفته‌اند شادی بزرگ زندگی‌شان را با مردم محله تقسیم کنند، از راه برسند.

به محض رسیدن اولین ماشین عروس، میدان پر می‌شود از صدای سوت، هلهله و دست زدن. یکی شکلات و نقل روی سرشان می‌پاشد و دیگری سینی شیرینی را بین حاضران در میدان دور می‌دهد. یکی دیگر از اهالی برایشان کارت هدیه تدارک دیده است و سالمندها هم لبخند به لب برایشان آرزوی خوشبختی می‌کنند. حضور پرانرژی اهالی باعث شده است مراسم حال و هوای گرم و خانوادگی پیدا کند. انگار همه دست به دست هم داده‌اند تا نخستین شب مشترک این زوج‌های جوان، شیرین‌تر و به یادماندنی‌تر آغاز شود.

ماه عسل دردل اجتماعات

«ماه عسل را کجا برویم؟ برای خیلی از عروس ها و دامادها، این سؤال یکی از چالش های مهم آغاز زندگی مشترکشان است، اما برای بعضی از عروس ها و دامادها جشن امروز ما، ماه عسل بعد از عقد خلاصه می شود به ساعتی باهم بودن در جایی که حالشان خوب است، حتی ممکن است آنجا، گوشه ای از خیابان های محله شان باشد.» این هارا یگانه می گوید، یکی دیگر از عروس های جشن اهالی محله اقبال. او همسرش قرار گذاشته اند تا زمانی که اجتماعات مردم برپاست، هرشب در خیابان حضور یابند و این راه ماه عسل خود می دانند. مهدی، همسر یگانه، می گوید: چه چیزی باشکوه تر و پربرکت تر از اینکه عروسی مادر جشن پیروزی مردم باشد! من و یگانه تصمیم داریم به نیابت از امام شهیدمان تاجایی که بتوان داریم، به این مردم و انقلابمان خدمت کنیم و این رافتخاری برای خودمان می دانیم. یگانه هم در تکمیل صحبت های همسرش می گوید: در بین دوستان و فامیل، افرادی هستند که برای شرکت نکردن در اجتماع های مردمی دنبال بهانه هستند. یکی می گوید شب شام نداریم، دیگری دیر خوابیدن بچه هایش را بهانه می کند و آن یکی، مشغله کارهای منزل را دلیلی برای حاضر نشدن در اجتماع های شبانه می داند. من می خواستم باین کارم بگویم این هابها نه است و آدم حتی در شب عروسی اش هم می تواند در جمع مردم انقلابی خیابان حضور داشته باشد. از شب عروسی که مهم تر نداریم!

گوش به فرمان توصیه رهبری

مهسا یکی از عروس خانم های اجتماع اهالی محله اقبال است. مهسامچ بند ایران به دست دارد و به قول خودش هرشب در اجتماع اهالی محله شان حاضر می شود. او به ما می گوید: چندی پیش، یکی از خانم های مسجدی محله مان از من پرسید «دوست داری مراسم عروسی ات را در اجتماع مردم برگزار کنیم؟». راستش با خودم گفتم به جای اینکه مراسم را در تالار و با فامیل خودمان جشن بگیرم، این شب بزرگ را کنار مردم باشم که در سرما و گرما سنگر خیابان را ترک نمی کنند و هوای انقلاب را دارند. مهسا ادامه می دهد: من از شهدا ممنونم که برای امنیت ما از بچه ها و زندگی شان گذشتند؛ از همین جا به آن ها می گویم که ما همیشه مدیون شما هستیم. محمد باقر، همسر مهسا، هم از اینکه در اجتماع مردم لباس دامادی بر تن دارد، بسیار خوشحال است. او به پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در نوروز ۱۴۰۵ اشاره می کند و می گوید: رهبرمان، آقا سید مجتبی، در نوروز امسال فرمودند «باینکه خیلی از ما عزاداریم، اما خوشحال می شویم که در این ایام، نوعروسان و نوادامه های ما به خانه بخت بروند و ان شاء... دعای رهبر شهیدمان و سایر شهدای بزرگوار این جنگ، بدرقه راه این عزیزان باشد.» راستش همین پیام رهبری برای من انگیزه ای شد که من و همسرم تصمیم بگیریم ازدواج کنیم و مراسممان را هم در کنار مردم برگزار کنیم.



اولین عدس پلو زندگی مشترک

مراسم که تمام می شود، نوبت عروس کشان است. عروس خانم ها و آقادا مادها یک به یک سوار ماشین می شوند و در محله دور می زنند. آن ها در مسیر حرکت به ۱۴ اجتماع دیگر اهالی در بولوار وکیل آباد سری می زنند و هرجایی که می روند، جمعیت برایشان سنگ تمام می گذارند. هرجایی که می روند، هدایایی به آن ها اهدا می شود تا اینکه وقت شام به موکب نبش وکیل آباد ۶۲ می رسند. آنجا به هرکدام از عروس ها و دامادها ۲ پرس عدس پلو می دهند. زوج ها در کنار مردم شام می خورند و به خانه هایشان می روند. آن ها زیر لب زمزمه می کنند: ما که همه مراسم ازدواجمان ساده بود، شام هم ساده باشد! ما زندگی مشترک را از اول ساده گرفتیم؛ امیدواریم که بقیه جوانان هم ازدواج و زندگی را ساده بگیرند.

این هم از شام عروسی!

می چرخد و به مهمان ها ساندویچ تعارف می کند؛ یک ساندویچ هم به ما می دهد. او وقتی فهمید امشب در میدان شهید صیاد شیرازی مراسم عروسی برگزار می شود، با همسرش تصمیم گرفتند ۲۰۰ ساندویچ نان و پنیر و سبزی درست کرده و بین جمعیت پخش کنند. مهدی از انگیزه اش برای انجام این کار فقط لبخندی تحویل ما می دهد و یک جمله کوتاه: «مراسم عروسی است دیگر؛ باید به مهمان ها شام بدهیم. این هم از شام عروسی!» چندان نوری هم با سینی شیرینی در جمع حضور دارند و بوفه موکب هم مثل هرشب با جای گرم از مهمان ها پذیرایی می کند.

حال و هوای عروسی میدان شهید صیاد شیرازی وصف شدنی نیست. به دلیل اینکه از قبل اعلام شده که جشن عروسی برگزار می شود، هرکدام از اهالی سعی کرده است در حد توانش در مراسم حضور فعالی داشته باشد و گوشه ای از کار را بگیرد. خانمی خودش را به مجری برنامه می رساند و ۱۴ کارت هدیه یک میلیون تومانی به عروس و دامادها اهدا می کند. هرچه سعی می کنیم با او گفت و گو کنیم، زیر بار نمی رود و می گوید: نذر کرده ام به نیت چهارده معصوم (ع)، ۱۴ عروس و داماد را خوشحال کنم؛ همین. مهدی آقادیگر مهمانی است که خودش سعی دارد از مهمان های دیگر پذیرایی کند. او بین جمعیت



گروه سرود مسجد امام علی (ع) در محله هنرستان، نام‌آشنای اجتماعات شبانه شده‌اند

صدای حماسی «دختران بهشتی»



راه تجربه



سمیرا شاهیان، مهم‌ترین زمان با شروع جنگ تحمیلی سوم، آن‌ها هم آرایش جنگی گرفتند و صدایشان از مسجد محله هنرستان بلند شد. شبستان مسجد امام علی (ع) که از چند سال قبل آشنا با صداها و نواهای آن‌ها شده بود، حالا به طور جدی پایگاه دوازده دختر کودک و جوانی شده‌است که با چادرهای یک‌دست و صدای کودکانه‌شان، سرودهای حماسی را به میدان‌های شهر می‌برند. نامشان «دختران بهشتی» است؛ گروه سرودی که این روزها در بسیاری از برنامه‌های انقلابی و آیینی اجتماعات شبانه مشهد شناخته شده‌اند و هر جا حرف از اجرای دخترانه و حماسی باشد، رد پای این بچه‌ها دیده می‌شود.

مربی این گروه سرود، نرگس رضایی جعفرآباد، فارغ‌التحصیل رشته الهیات و فرمانده پایگاه مسجد امام علی (ع)، از سه چهار سال پیش، کار با این گروه را آغاز کرده‌است. دختران بهشتی در این ۶۷ شب میدان داری، تقریباً همه مناطق مشهد را برای اجزای پراکنده داشته‌اند؛ از حضور در شبکه استانی خراسان تا مراکز علمی و فرهنگی مثل دانشگاه فردوسی و تالار شهر مشهد. این بار مادر حضور استادان دانشگاه فردوسی مشهد، قطب علمی شرق کشور، شاه‌هد هنرنمایی مقتدرانه‌شان هستیم.

مادر این دوازده دختر برای بیشتر اجراها، همراهی‌شان می‌کند. او می‌گوید: محدوده سکونت‌مان در پیروزی نیست، مثل بعضی از بچه‌ها. اتفاقاً مدرسه‌اش هم در آن محدوده نیست و دخترم در مدرسه‌ای در بولوار مجلسی درس می‌خواند.

این مادر با پشتکار درباره شیوه‌آشنایی‌اش با گروه سرود دختران بهشتی می‌گوید: من از معاون مدرسه دخترم، نام این گروه سرود را شنیدم و چون دخترانم هم دوست داشتند در این زمینه فعالیت کنند، با خانم رضایی ارتباط گرفتم. بعد از اولین تمرین، پرنیاد دیگر حاضر به دل‌کندن از این جمع نبود.

دختران مدرسه حضرت زهرا (س)

پرنیاد با پور، دختر نه‌ساله‌ای که تک‌خوان سرود «ایران امام رضا (ع)» است، با صدای رسایش شناخته می‌شود. کنار او ماهور نخعی، نرگس ویاس متولی، سلیمان طاق زاد، زینب زنده‌دل، نجمه حسن زاده، رومینا کمالی، بهارک و فرانک فرازمنند، حلما مشهدی و نازنین زهرانی کونوسب ایستاده‌اند. نرگس متولی دوازده سال دارد و حدود چهار سال است با این گروه همکاری می‌کند. او درباره چگونگی دورهم جمع شدن دوستانش می‌گوید: بعضی از مادر مدرسه حضرت زهرا (س) در هاشمیه درس می‌خوانیم و بعضی‌ها ایمان در مدرسه فرزین فردر بولوار فکوری. تعدادی از بچه‌ها هم از راه‌های خیلی دور می‌آیند.

یکی دیگر از اعضای گروه سرود، نجمه حسن زاده است که ۱۰ سال دارد و از اینکه در حضور بزرگ‌ترها اجرا می‌کند، خوشحال است. او می‌گوید: ماهم درس می‌خوانیم و هم کار هنری انجام می‌دهیم. من از اینکه در این گروه هستم، خیلی راضی‌ام.

اجراهای دختران، بعد از خواندن ۴ سرود حماسی در حضور استادان تمام می‌شود. برق شادی در چشم بچه‌ها دیده می‌شود، به ویژه وقتی حضار درخواست می‌کنند با این گروه عکس یادگاری بگیرند.



میناب تقریباً سانس اعضای گروه سرود ما بود. این سرود برای بچه‌های گروه حال و هوای متفاوتی دارد. دخترها برای این کار، یک ماه تمام تمرین کردند تا سرودی آماده شود که در روز دختر برای همدردی با هم و وطن خودشان اجرا کنند؛ گویی بچه‌ها با این زبان، غم بی‌نهایت خودشان را از شهادت ۱۶۸ مظلوم بی‌دفاع اعلام کردند. خوشبختانه این اجرا، در اجتماعات شبانه هم بازخوردهای خوبی داشت و خیلی از خانواده‌ها با حس و حال معنوی و متفاوتی، آن را همراهی کردند. این راه هم بگویم که بعدتر همین سرود را در روز درخت‌کاری، در روستای اخلمند نیز به یاد دختران میناب اجرا کردند.

سرودهای حماسی، مأموریت این شب‌ها

اما قصه این گروه فقط به اجراهای رسمی ختم نمی‌شود. نرگس رضایی می‌گوید: اعضای گروه، سرود «پای کار انقلاب هستیم» را در جمع مردم مشهد، در میدان فردوسی و به مناسبت چهلم شهادت رهبرمان خواندند. همچنین روز بیست و دوم اسفند سال گذشته، در اجتماع «حماسه قدس» که در میدان بسیج برگزار شد، سرودشان را به گوش جمعیتی رساندند که هم صدا با آن‌ها شعر می‌دادند. او با بیان اینکه سرودهای حماسی، مأموریت اصلی این شب‌های آن‌هاست، ادامه می‌دهد: دخترانم، سرود «پناه ایران» را نیز در شبی که مجری محفل در اجتماعات شبانه حضور داشتند، اجرا کردند. به نظر هم‌برنامه، نام این گروه را بیشتر بر سر زبان‌ها انداخت و تقریباً برای اجرای کارهایمان به همه محلات مشهد رفتیم.

جذب مردمی اعضای گروه سرود

«جذب اعضای گروه کاملاً مردمی بود؛ هر بار که جایی اجرای کردیم، خانواده‌ها و بچه‌ها با ما آشنا می‌شدند و خودشان برای حضور در گروه اعلام آمادگی می‌کردند.» با توضیحی که رضایی، این مربی خوش‌ذوق می‌دهد، روشن می‌شود که دختران هم با علاقه وارد این راه شده‌اند. او ادامه می‌دهد: به همین دلیل امروز اعضای این گروه فقط از یک محله نیستند؛ از هاشمیه و فکوری تا بولوار مجلسی و حتی حاشیه شهر، عضو گروه هستند. دختران من از سه تا دوازده ساله هستند. ارتباط‌های روزانه ما برای هماهنگی، بیشتر مجازی است. اما تمرین‌های اصلی همچنان حضوری و در مسجد امام علی (ع) واقع در پیروزی ۴۵ انجام می‌شود. مسجدی که فرمانده پایگاه بسیجش هستیم، خانه دوم این دخترها شده‌است.

همدلی گروه فرامحله‌ای

اعضای این گروه سرود، دوازده نفرند و همگی دخترانی هستند که مایل‌اند در این فعالیت هنری شرکت کنند و اتفاقاً خانم مربی هم پذیرای آن‌هاست. کوچک‌ترین عضو، مهناز با پور، فقط سه سال دارد و خواهرش، پرنیاد هم تک‌خوان گروه است.

جنگ نرم در جنگ تحمیلی سوم

یکی از سرودهای دختران «پای کار انقلاب هستیم» نام دارد؛ نامی که شاید مسیر جهاد این شب‌های آن‌ها را روشن می‌کند. نرگس رضایی جعفرآباد می‌گوید: سال‌هاست که با بچه‌هایم، یعنی همین اعضای گروه تمرین می‌کنم. اما ایده حضور منسجم و جدی مان در اجتماعات شبانه از آغاز جنگ تحمیلی سوم شکل گرفت. با خودم فکر کردم جهاد امروز فقط در میدان نبرد نیست؛ گاهی باید با همان توانایی و هنری که داری، برای جبهه حق تلاش کنی. به همین دلیل به ذهنم رسید توانایی اصلی من در گروه سرود مان است. موضوع را با آن‌ها در میان گذاشتم و کار را شروع کردیم. دختران من هم احساس کردند با صدا و شعر می‌توانند روحیه حماسه‌رازنده نگه دارند.



سرود روز دختر به یاد دختران میناب

در این شصت و چند شب، یکی از اجراهای مهمشان، حضور در ویژه برنامه شبکه خراسان با اجرای حجت‌الاسلام والمسلمین سید کاظم روح بخش، فعال حوزه روان‌شناسی اسلامی، بوده‌است. نرگس رضایی می‌گوید: یکی از تجربه‌های متفاوت این گروه، سرودی بود که در روز دختر به یاد دختران میناب رونمایی شد. از یک ماه قبل بایک استاد زبان انگلیسی گفت‌وگو کرده بودم تا به مناسبت ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختر و تقارن آن با چهلم شهادت مدرسه شجره طیبه میناب، یک شعر حماسی به زبان انگلیسی برای آن واقعه تلخ ترجمه شود. این مربی فعال و جهادی اضافه می‌کند: چون سن دختران شهید

مسجد صاحب الزمان (عج) طی جشنی، از نوجوانان و فعالان اجتماعات شبانه قدرانی کرد

شور وطن دوستی در بوستان فدک

عیدگاه

خوشحالم که مسجدی هایمان، دغدغه نوجوانان را دارند و به بهانه های مختلف، برای آن ها برنامه در نظر می گیرند و تشویقشان می کنند.

اوبریایی جشن در بوستان را اقدامی بسیار خوب می داند و توضیح می دهد: بسیاری از افراد غیر مسجدی در جشن حضور دارند و همین موضوع، زمینه ارتباط آن ها با مسجد را فراهم می کند.

محمد حسین علیزاده قاری نوجوانی است که امروز تشویق شده است. او که پای ثابت فعالیت های قرآنی مسجد است، می گوید: در برنامه اعتکاف که چند وقت پیش برگزار شد، شرکت کردم و آنجا به من خیلی خوش گذشت و کلی دوست جدید پیدا کردم. با آن ها هماهنگ کردیم و شب ها باهم به اجتماعات شبانه می آییم.

● پرچم ها برافراشته می ماند

علی اصغر لشکری، از فعالان فرهنگی و اجتماعی محله لشکر، این برنامه را اثرگذار می داند اما گلایه دارد که چرا شهرداری در برپایی آن مشارکت نکرده و حداقل هایی همچون سیستم صوت را در اختیار برگزارکنندگان نگذاشته است.

طاها قدرت پناه پسر نه ساله ای است که برای دوچرخه سواری به پارک آمده است اما آن قدر از فضای برنامه و حضور نوجوانان خوشش آمده که رفته مادرش را آورده تا او را با این گروه هم مرتبط کند.

باتلاوت دعای ظهور امام زمان (عج) برنامه پایان می یابد اما پرچم ها همچنان برافراشته است و علم داران وطن، با پرچم هایی که در دست دارند، به سوی منزل می روند.

فاطمه امیریان بانویی پنجاه ساله و از شرکت کنندگان این جشن است. او می گوید: دو ماه در بستر بیماری بودم و از خانه بیرون نرفتم. امروز که فهمیدم اینجاست، برپاست، آمده ام.

او حضور نوجوانان را از نقاط مثبت این برنامه می داند و می گوید: من که بچه کوچک ندارم اما خیلی خوب است که نوجوانان را جذب مسجد کرده اند و برایشان برنامه می گذارند و در گرداندن برنامه هم از خودشان استفاده می کنند.

● جشنی برای همه

علی اصغر گوهری یکی از افرادی است که در این جشن مورد تقدیر قرار گرفت. او هر شب به اجتماعات می آید و ماشینش را در اختیار مسجد می گذارد تا روی آن، باند های صوتی اجتماعات شبانه نصب کنند.

گوهری می گوید: وظیفه خود مان می دانیم پای کار باشیم. خیلی

فهیمة شهری هنوز دل های مردم پر از خشم و کینه نسبت به دشمنان است و این بیزاری را باروش های مختلف بروزی می دهند. این بار فعالان فرهنگی و اجتماعی مسجد صاحب الزمان (عج) در فلاحی ۳۸، مراسمی برای قدرانی از فعالان اجتماعات شبانه و نیز فعالان فرهنگی مسجد تدارک دیدند. آنان با کمک نوجوانان محله لشکر، جشنی در بوستان فدک برپا کردند که حال و هوای متفاوتی نسبت به جشن های قبلی داشت: این جشن پر از شور و وطن دوستی بود.

● قدرانی از ۲۸ فعال محلی و مسجدی

هوای بهاری و حضور پر شور مردم و بچه ها، حال و هوای بوستان فدک را پر نشاط تر از همیشه کرده است. علاوه بر اینکه بوستان با ریسه هایی از پرچم ایران تزیین شده است، بسیاری از اهالی محله که در جشن حاضر شده اند، پرچم در دست دارند. یک پرچم بزرگ هم طی برنامه توسط نوجوانان، گردانده می شود، طوری که برای در دست گرفتن آن، باهم رقابت می کنند.

محسن البرز، عضو هیئت امنای مسجد صاحب الزمان (عج)، می گوید: باتوجه به حضور پر رنگ نوجوانان در مسجد، تصمیم به برپایی این جشن گرفتیم تا از آن ها و سایر فعالان محله قدرانی کنیم.

به گفته او در این جشن در مجموع ۲۸ کودک، نوجوان و بزرگ سال محله لشکر تقدیر شد که شامل فعالان در برنامه افطاری ساده، نفرات برگزیده مسابقات نوجوان برتر، مربیان مرتبط با مسجد و به ویژه فعالان اجتماعات شبانه بودند.



مائده محمدزاده از آغاز جنگ تحمیلی سوم هر شب با گواش و قلم مو در اجتماعات حضور دارد

موشک صورتی برای دخترها

امید محله

● خاطره ای از این شب ها داری؟

یک شب روی دست یک دختر تقریباً هفت ساله عکس پرچم کشیدم. گفت دوست دارم این را به رهبر نشان دهم. چطور می توانم این کار را انجام دهم؟ کمی فکر کردم تا بتوانم جواب درستی به او بدهم. از آخر گفتم من از دستت عکس می گیرم و در گروه ها پخش می کنم. خودت هم این کار را بکن تا بالاخره به دست رهبر برسد. خوشحال شد و رفت.

● دوستان جدید هم پیدا کرده ای؟

بله، خیلی زیاد. یکی از برکات این اجتماعات برای من همین بود که با مجتمع فرهنگی منتظر به و حوزه هنری آشنا شدم و با دوستان خوبی که در این مراکز پیدا کردم، در حال یادگیری کارهای جدید هنری، دستی و تولید محتوا هستیم.

● چیزی بوده که توجهت را جلب کرده باشد؟

زیاد. هر شب در این اجتماعات پراز صحنه های همدلی و عشق به میهن است. اما یکی از اتفاقاتی که خیلی برای من جالب بود. هواداری بچه ها از یکدیگر است. هر شب می بینم بچه هایی هستند که با پول توجیبی اندک خودشان برای بقیه بچه ها خوراکی هایی همچون شکلات، چوب شور و... می خرند.

● از حضور هر شب در اجتماعات خسته نشده ای؟

نه اصلاً. این جنگ باعث شد ولایت مدار تر شوم و بیشتر ارزش وطنم را بدانم. اگر قبلاً به عنوان مثال هفته ای یکی دو ساعت برای کارهای فرهنگی وقت می گذاشتم، حالا هر شب و بیشتر از این وقت می گذارم و خسته نمی شوم.

● بیشتر چه نقاشی هایی می کشی؟

اولش با نقاشی پرچم شروع کردم ولی چند شب بعد، خانمی به نام الهام شهرستانی که در این زمینه تجربه داشت و هر شب به اجتماع می آمد، روش های کاربردی و خوبی یاد داد. ایده های جدیدی داشت که از آن استفاده کردم و کشیدن پایپون و پروانه را نیز از او یاد گرفتم.

● بین طرح هایی که گفتی، کدام پرطرفدارتر است؟

بزرگ ترها معمولاً متقاضی نقاشی پرچم هستند. پسر بچه ها موشک فتاح مشکی دوست دارند. دختر بچه ها هم عاشق پایپون با رنگ بندی پرچم و موشک صورتی هستند.



● فهیمة شهری اجتماعات شبانه ای که از آغاز جنگ تحمیلی سوم و در حمایت از وطن آغاز شد، شور و حال خاصی در اقبال مختلف ایجاد کرد. کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگ سالان و سالمندان، هر کدام نقشی در این تجمعات دارند.

در این بین، مائده محمدزاده، نوجوان هفده ساله محله هاشمیه، از آغازین روزهای جنگ، هر شب در اجتماعات محله شان حضور دارد و روی صورت متقاضیان، تصویر پرچم، موشک و... نقاشی می کشد. مائده با پول های توجیبی خودش این کار را شروع کرد و در ادامه، خانواده، همسایه هایشان و سایر مردم همراهش شدند.

● چه شد که تصمیم گرفتی در اجتماعات روی صورت افراد نقاشی بکشی؟

در راهپیمایی های ۲۲ بهمن که شرکت می کردم، دیده بودم افرادی این کار را انجام می دهند و بچه ها خیلی از آن استقبال می کنند. بعد از جنگ تحمیلی سوم که اجتماعات شبانه شکل گرفت، تصمیم گرفتم این کار را در اجتماعاتی که حضور دارم، انجام دهم.

● مواد اولیه را چطور تهیه کردی؟

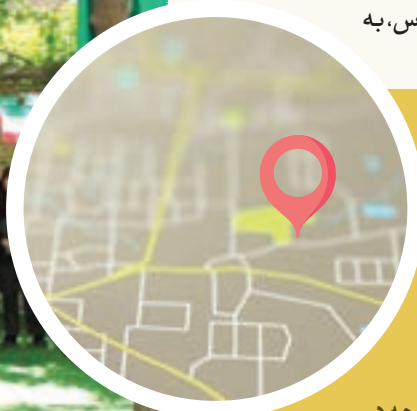
چند تایی گواش و قلم مو در خانه داشتیم. آن ها را برداشتم. هر چه هم کم بود، با پول توجیبی خودم خریدم.



به نظر رونیکا هوشنگی، برپایی بازارچه و نمایشگاه در مدرسه، کمک می‌کند که فرصت‌های جدیدی پیش روی دانش‌آموزان قرار گیرد. او طرح‌های نگارگری، بته‌جقه و سازه‌های ماکارونی‌اش را به نمایش گذاشته است و می‌گوید: دیده شدن کارهایم، اعتماد به نفسم را بیشتر می‌کند.



زهرا حسن بیگی که دبیر درس کار و فناوری است و نقاشی سردار سلیمانی را کشیده، می‌گوید: در نظام آموزشی ما بر درس‌های تئوری خیلی تأکید می‌شود. به نظر او برپایی چنین نمایشگاه‌هایی، فرصتی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان کنار درس، به فکر هنر و مهارت هم باشند.



دختران دبیرستانی منطقه ما
یک رویداد کارآفرینی را رقم زدند

هنر دست دختران «پویا»

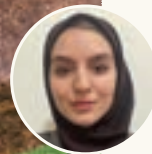
فهیمة شهری هفته مشاغل بهانه‌ای شد برای برپایی نمایشگاه و بازارچه در دبیرستان دخترانه بوستان پویا در محله لشکر. در بخش نمایشگاهی، دست‌سازهای دانش‌آموزان و موفقیت‌های آن‌ها در عرصه‌های مختلف به تصویر کشیده شد. بخش بازارچه، غرفه‌های فروش محصولات تولیدی همچون شمع‌سازی، سنگ مصنوعی، بافتنی، نقاشی، غذا و... را شامل می‌شد. این محصولات توسط دانش‌آموزان یا والدینشان ساخته شده بود. با توجه به مجازی بودن درس‌ها، این رویداد فرصتی فراهم کرد تا دانش‌آموزان در حیطه مدرسه بایکدی پیکر دیدار کنند.



ایده و اجرای غرفه شهدای میناب با فاطمه غلامی بوده است. او می‌گوید: دوست داشتم در نمایشگاه‌ها یا این شهدا هم باشیم. او این غرفه را با کوله‌های دوران کودکی خودش و دفترها و لوازم تحریر شخصی‌اش درست کرده است.



عکس: فهیمة شهری / شهرآرام



سبدهای گل‌های شمعی، یکی از هنرهایی است که در این نمایشگاه مورد توجه قرار گرفته. ملیکا ساغرچی، دانش‌آموز کلاس دهمی رشته تجربی، همراه مادرش این سبدها را درست می‌کند. ملیکا از راه فروش این شمع‌ها درآمد دارد. او در بازارچه‌های مدارس دیگر هم دست‌سازهایش را برده و به فروش رسانده است.